

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

میرفت این منطقه را به بشکه باروتی تبدیل کرده که هر آن می‌تواند منفجر گردد.

از نخستین روز آغاز تحکیم حضور نظامی ایالات متحده آمریکا در آب‌های خلیج فارس روشن بود که هدف به هیچ وجه تأمین شرایط برای جریان عادی نفت به سمت جهان سرمایه‌داری نیست. حزب ما بموقع خود بدرستی خاطرنشان کرد که هدف امپریالیسم آمریکا تحکیم مواضع نظامی - سیاسی خویش به منظور تشدید فشار به کشورهای عربی کرانه خلیج فارس برای استقرار پایگاههای نظامی در آنها و نیز احیاء مواضع از دست رفته خود در ایران است. هدف عبارت است از سرکوب هرگونه نهضت رهایی‌بخش در سراسر منطقه.

حزب توده ایران خواهان تأمین امنیت در ص ۲

اخبار رسیده از خلیج فارس نگرانی‌آور است. چهار رزمنا و امریکائی به دو سکوی نفتی ایران در آبهای خلیج فارس حمله کرده و با شلیک هزار گلوله توپ آنها را منهدم کردند. این اقدام امپریالیسم تجاوزکار آمریکا، به هر بهانه‌ای انجام گرفته باشد، توجیه اخلاقی و حقوقی ندارد و عملاً جز حمله مسلحانه آشکار نمی‌تواند ارزیابی گردد. این اقدام عنصری از زنجیره مداخلات نظامی - سیاسی آمریکا در امور منطقه و در جنگ ایران و عراق به منظور بهره‌برداری بسود آماجهای استراتژیک امپریالیسم امریکاست.

تمرکز بیسابقه نیروهای دریائی ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از کشورهای عضو "ناتو" در آبهای خلیج فارس به بهانه تأمین آزادی کشتیرانی، چنانکه انتظار



شماره ۱۷۸ دوره هشتم
سال چهارم سه شنبه ۱۳۶۶/۸/۵
بها ۲۰ ریال

شرکت حزب

در کنفرانس احزاب منطقه

در روزهای ۲۲ - ۲۱ اکتبر ۱۹۸۷ "سومین کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری منطقه" مدیریتانه* شرقی، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ"، با شرکت در حدود ۲۰ حزب برادر در آتن برگزار شد. یکی از اعضای رهبری حزب توده* ایران، به نمایندگی حزب، در این کنفرانس شرکت کرد.

تشنجات خلیج فارس در کانون مذاکرات "کنفرانس سوم" قرار داشت.

بقیه در ص ۷

بازهم درباره دادگله ویژه روحانیت

با وجودی که مطابق قانون اساسی رژیم، ظاهراً همه شهروندان ایرانی در برابر قانون یکسان هستند، دادسرا و دادگله ویژه ای برای روحانیون تشکیل داده‌اند که در آنها همکاری که دلشان می‌خواهد، بدون کنترل از سوی قوه قضائیه و مردم انجام می‌دهند.

روزشنبه هجدهم مهر صدای ج.ا. اعلام کرد که دو تن دیگر از یاران سید مهدی هاشمی که خودش دوشنبه ششم مهر به حکم دادگاه ویژه روحانیت اعدام شد، توسط همان دادگاه به جرم مشارکت در کارهای سید مهدی هاشمی محکوم به اعدام گردیده‌اند و این حکم در زندان اوین به مورد اجرا گذاشته شده است.

بقیه در ص ۲

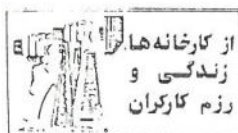
در صفحات بعد

اشهدنا بهنگام

در ص ۷

انقلاب کبیر سوسالستی اکبر و جنبش آزادیبخش ملی

در ص ۶



در ص ۴

نامه خانواده‌های زندانیان سیاسی

در پی حمله ماموران امنیتی رژیم ج.ا. به خانواده‌های زندانیان سیاسی و دستگیری گروهی از آنها در ۱۹ شهریور، جمعی از مادران و همسران زندانیان سیاسی طی نامه دیگری خطاب به پرز دکوئیاری، دبیر کل سازمان ملل متحد، از او برای نجات دستگیر شدگان و نیز زندانیان سیاسی کمک طلبیدند. این نامه درست پس از ضرب و شتم و دستگیری گروهی از کسانی که در مقابل دفتر سازمان ملل متحد اجتماع کرده بودند، نوشته شده است.

اینک متن نامه، که اخیراً رونوشتی از آن به دفتر نامه مردم رسیده است:

آقای پرزدکوئیاری، دبیرکل محترم سازمان ملل متحد!

بدینوسیله به اطلاع جنابعالی می‌رسانیم که ما، عده‌ای از مادران و همسران زندانیان سیاسی ایران در روز پنجشنبه ۱۰ سپتامبر ۱۹۸۷، یک روز قبل از ورود شما به ایران، به دفتر سازمان ملل در تهران مراجعه کردیم تا شکوایه‌ای در مورد شرایط نامناسب زندانیان سیاسی و درخواست رسیدگی به وضعیت آنها از جانب سازمان ملل متحد به مسئولین دفتر تقدیم کنیم. اما تعداد زیادی از ماموران امنیتی رژیم جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از اقدام ما قبلاً در منطقه مستقر شدند. پس از اجتماع عده‌ای از مادران و همسران زندانیان سیاسی، ماموران با توهین و ضرب و شتم خواستند این اجتماع مسالمت آمیز را پراکنده و افراد را دستگیر کنند. اما چون با مقاومت خانواده‌های زندانیان سیاسی روبرو شدند، موقتاً از بازداشت آنها صرف‌نظر کردند. پس از پراکنده شدن اجتماع، ماموران در کوچه‌ها و خیابانهای اطراف دفتر سازمان ملل راه را بر عده‌ای از این زنان رنج‌دیده که اکثراً سالخورده بودند، بستند و با ضرب و زور و بی‌حرمتی آنان را ربودند. ماموران آنها را ابتدا به کمیته واقع در خیابان "خالداسلامبولی" و

بقیه در ص ۲

توطئه رژیم

برای درهم شکستن

روحیه پایداری زندانیان سیاسی

در شرایط کنونی، یکی از بهره‌برداریهایی که رژیم جمهوری اسلامی از ادامه جنگ ایران و عراق و بویژه از تشنجات موجود در خلیج فارس در داخل کشور، در راستای پیشبرد آماجهای ضد خلقی خود به عمل می‌آورد همانا عبارت است از تشدید سیاست ترور و خفقان و سرکوب هر چه خشن‌تر آزادیخواهان و حقوق دمکراتیک خلقهای ایران. بعنوان یکی از عناصر این سیاست می‌توان بر تشدید فشار و شکنجه بر زندانیان سیاسی و افزایش کشتار بهترین فرزندان مردم ایران در سیاهچالهای جمهوری اسلامی انگشت گذاشت.

پس از پایان یک رشته اعتصابهای قهرمانانه زندانیان سیاسی در داخل زندانها و اعتراضات و کارزارهای همبستگی خانواده‌های آنان و احزاب و سازمان‌های انقلابی و دمکراتیک در خارج از زندان، در سطح جامعه و جهان که به رسوائی بیش از پیش رژیم در نزد افکار عمومی انجامید، سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی تلاش می‌ورزند از فرزندان درینند خلق بخاطر نشان دادن روحیه پایداری و پایبندی به آرمانهای والای انسانی و انقلابی‌شان انتقام خونینی بگیرند افزایش ضرب و شتم و توهین و شکنجه از سوی نگهبانان و پاسداران، آنهم به دستاویزهای پوچ، ابلاغ احکام سنگین از پیش تعیین شده، کشاندن دوباره زندانیان محکوم به دادگاههای در بسته، نزول بازهم بیشتر کینت و کیفیت غذا، محدود کردن بیش از پیش ملاقات، مکاتبه با بستگان و زمان هواخوری، قطع جیره ماهانه برخی کالاها، تحویلی همانند صابون و پودر و مایع ظرفشویی، وخیم‌تر شدن وضع بهداشت و درمان و ممنوعیت استفاده از نشریات مجاز از جمله محدودیت‌ها و تضيیقاتی است که رژیم برای اعمال فشار بر زندانیان سیاسی در نظر گرفته و به اجرا گذارده

بقیه در ص ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

توطئه رژیم برای درهم شکستن ...

است. در این پیوند، تذکر این نکته ضروری است که زندانیان پس از پایان اعتصاب غذای زندانیان، آگاهانه تلاش ورزیده اند و می‌ورزند تا از بحالت گرسنه و نیمه گرسنه نگاهداشتن اسیران دربند خلق بعنوان حربه‌ای برای ناتوان‌سازی جسمی و درنهایت روحی و نیز بعنوان یکی از زمینه‌های فشار به منظور درهم شکستن روحیه پایداری زندانیان و به زانو درآوردن آنها بهره‌گیری کند. ولی واقعیات بیانگر آنند که دژخیمان در این نبرد نابرابر با شکست روبرو شده‌اند و تیر امیدشان به سنگ خورده است.

آنچه سخنگوی شورای عالی قضائی در مصاحبه مطبوعاتی خود در مشهد درباره روحیه اسیران زندانی خلق بر زبان آورده، تنها بعنوان یک اعتراف نمونه وار علنی و یک جنبه از واقعیت سرسخت و انکار ناپذیر موجود در دخمه‌های رژیم بحساب می‌آید. مقتدائی، در زمینه "آزادی بعضی از زندانیان گروهکی" (!) ضمن اشاره به "عفو نادمین" گفت:

"اما در رابطه با آنهایی که در موضع خود باقی هستند و زندان هیچ اثری بر روحیه آنها نداشته و احتمال اینکه اگر اینگونه افراد آزاد و خارج از زندان مجدداً مشغول فعالیت ضداسلامی و انقلابی شوند، هست، اینگونه افراد مورد عفو قرار نمی‌گیرند و باید محکومینشان را تحمل بنمایند" (کیهان ۱۵/۶/۶۶).

این سخنان بخودی‌خود گویاست. اکثریت قریب به اتفاق فرزندان خلق "در موضع خود باقی هستند" و شرایط پرهول و عذاب دخمه‌های دوزخ خمینی، علیرغم یاری‌جویی از جلادان خونریز و کارکشته و دوره دیده، و نیز بکارگیری وسایل مدرن و سنتی شکنجه، بر روحیه استوار و ارده پولادین آنها "هیچ اثری" جز تیزتر شدن آتش خشم و کینه آگاهانه‌شان نسبت به رژیم، برجای نگذاشته است. چنین است رسم و راه فرزندان پاکباز خلق.

تا پیش از اعتراف اخیر مقتدائی، حرف سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی سراسر این بود که ما در "دانشگاه" اوین و کمیته و گوهردشت و دیگر زندانهای جمهوری اسلامی قادریم در ظرف مدت کوتاه چندماهه، در پرتو "عظوفت اسلامی" حتی "ریگان را مسلمان کنیم". ولی امروز یکی از مسئولان قضائی از حقیقتی سخن می‌گوید که ۱۸۰ درجه با سخنان دیروز دیگر همپالکی‌هایش اختلاف دارد. حقیقتی که سرچشمه هراس رژیم و یکی از علل تشدیدفشار و شکنجه در درون زندانها را نشان می‌دهد.

اما درباره آن بخش از حرفهای مقتدائی که می‌گوید زندانیان برسر "موضع" مورد عفو قرار نمی‌گیرند و باید محکومینشان را تحمل بنمایند، باید گفت که در حال حاضر کم نیستند زندانیانی که دوره محکومیت خود را به پایان رسانده‌اند، ولی بخاطر اینکه پا روی آرمانهای خود نگذاشته‌اند و حاضر نیستند به

نامه خانواده‌های زندانیان ...

سپس به "کمیته مرکزی" در میدان بهارستان و بعداً به "کمیته پل رومی منتقل کردند. افراد دستگیر شده در زندان نیز مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند. پس از چند روزی عده‌ای از دستگیرشدگان آزاد شدند ولی از وضعیت و سرنوشت عده دیگری از آنها هیچگونه اطلاعی در دست نیست.

آقای دبیرکل!

زندانیان سیاسی ایران در جهنم واقعی بسر می‌برند. آنها از غذای کافی و حداقل جای لازم برای خواب محرومند. ماموران سفاک رژیم در زندانها هر روز با کوچکترین بهانه به شکنجه فردی و گروهی زندانیان دست می‌زنند. همه زندانیان سیاسی در طی مدت بازجویی بمنظور اخذ اطلاعات تحت شدیدترین و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها قرار می‌گیرند. زندانی طی محاکمه خود کوچکترین حقی برای دفاع و تعیین وکیل مدافع ندارد. قضاوت شرع پس از محاکماتی که در چند دقیقه انجام می‌شوند، پراحتی حکم اعدام و زندانهای طویل‌المدت صادر می‌کنند. رژیم جمهوری اسلامی حتی نتوانست اجتماع مسالمت آمیز خانواده زندانیان سیاسی در مقابل دفتر سازمان ملل را تحمل کند و شیوه رفتارشان با فرزندان این خانواده‌ها را در مورد خود آنها تکرار کرد.

آقای دبیرکل!

ما از شما می‌خواهیم که به ترتیب ممکن در مقابل نقض ابتدایی‌ترین حقوق بشر از جانب جمهوری اسلامی مانع ایجاد کنید. در مورد بازدید هیات مامور سازمان ملل متحد از زندانهای جمهوری اسلامی یافشاری کنید. جرم افرادی که در سیاهچالهای جمهوری اسلامی اسیرند، دفاع از آزادی و حقوق بشر و طرفداری از صلح و عدالت اجتماعی است. آنها نیز چون شما خواهان توقف جنگ ایران و عراق هستند. آقای دبیر کل! تلاشهای شما برای برقراری صلح بین ایران و عراق بسیار باارزشند. این تلاشها را با اقداماتی برای نجات جان زندانیان سیاسی ایران همراه کنید. بدین تربیب نیروی صلح را تقویت کرده‌اید.

جمعی از مادران و همسران زندانیان سیاسی (ایران)

تعهدات درخواستی رژیم تن بدهند همچنان در پشت میله‌های زندان بسر می‌برند. برپایه اخبار، دریافتی اخیراً زندانبانان رژیم در محوطه زندان اوین یک بند زیرزمینی ساخته و به این گروه از زندانیان که شماری از آنها سالهاست "اضافه‌کشی" می‌کنند، اختصاص داده‌اند. این زیرزمین مخوف، نور و فاقد هرگونه امکانات زیستی، از جمله کفپوش، نام "جزیره اوین" را بر خود دارد. تکیه‌کلام مسئولین این‌بند در برخورد با زندانیان چنین است: "یا توبه کنید، و یا محل زندگی و مرگتان در همین بند است."

در اوضاع و احوال کنونی، که در بیرون از زندانها موج ناراضی و اعتراض توده‌های مردم

اعلامیه کمیته مرکزی ...

کشتیرانی در آبهای خلیج فارس است و طریق دستیابی به آن رانه در تمرکز هر چه بیشتر ناوگان جنگی آمریکا و متحدان آن در "ناتو"، بلکه در بیرون بردن هر چه زودتر ناوگان جنگی متعلق به کشورهای خارجی از آبهای خلیج فارس و پایان دادن به جنگ ایران و عراق می‌داند. عملیات نظامی ایالات متحده* آمریکا در خلیج فارس که طی آن جان کارگران و مهندسان ایرانی در معرض خطر جدی قرار داشت بار دیگر نشان داد تا زمانی که شعله* این جنگ خاموش نشده، امپریالیسم از آن برای تحکیم مواضع خود بهره خواهد گرفت. درست بهمین دلیل سیاست ایالات متحده* آمریکا در جهت شعله‌ور ساختن هر چه بیشتر آتش جنگ میان ایران و عراق سیر می‌کند. ماجرای فروش پنهانی تجهیزات نظامی به جمهوری اسلامی و عراق از جانب ایالات متحده* آمریکا و برخی دیگر از کشورهای عضو "ناتو" را چیزی جز توطئه برای دامن زدن به آتش جنگ ایران و عراق نمی‌توان نامید.

طی هفت سال و اندکی که از آغاز جنگ ایران و عراق می‌گذرد حدود یک میلیون انسان در این حریق امپریالیسم برافروخته سوخته‌اند و تعداد آنها روزبروز رو به افزایش است. تجدیدبیماران شهرها و مراکز صنعتی و محلات مسکونی توسط هر دو طرف در حال جنگ پی آمد فاجعه‌بار دیگر ادامه* جنگ است. طی هفته‌های اخیر صدها نفر از شهروندان ایران و عراق از جمله زنان و کودکان و کارگران قربانی موشک‌پرانی‌ها و بمبارانهای هوایی شده‌اند و هزاران خانواده بی‌سریناه مانده‌اند.

منافع حیاتی مردم هر دو کشور همسایه و نیز تأمین صلح و امنیت منطقه و جهان اتخاذ تدابیر سیاسی، بجای عملیات نظامی را در دستور روز قرار داده است. حزب توده* ایران هر اقدامی را که به تشدید وخامت در منطقه* خلیج فارس منجر گردد، شدیداً محکوم می‌کند. حزب ما خواهان پایان دادن به توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع در منطقه است و در این راه می‌رزد. ما از پیشنهاد اتحاد شوروی دایر بر استقرار نیروی ویژه* سازمان ملل متحد برای تأمین امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و بیرون بردن نیروهای دریائی کشورهای خارجی از منطقه پشتیبانی می‌کنیم و خواهان اجرای بی‌قید و شرط قطعنامه* ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد هستیم. این خواست اکثر مردم میهن بلاکشیده‌مان نیز هست.

کمیته* مرکزی حزب توده* ایران
۳۰ مهر ۱۳۶۶

علیه سیاست رژیم در زمینه‌های گوناگون گسترش می‌یابد و رژیم تلاش می‌ورزد با انحراف افکار عمومی از مسائل حاد اجتماعی و اقتصادی و بویژه با بهره‌برداری از تشنجات خلیج فارس زمینه اجرای توطئه‌های رنگارنگی را علیه خلق و فرزندان دربندش به اجرا گذارد. نیروهای انقلابی و دمکراتیک باید بیش از هر زمان با حداکثر هشیاری و تلاش به افشای ماهیت توطئه‌های خونین سردمداران مرتجع جمهوری اسلامی بپردازند. بایسته است نیروهای انقلابی و دمکراتیک با بسیج همه امکانات خود در سطح کشور و در سطح بین‌المللی برای ناکام ساختن توطئه‌های شوم رژیم دست به عمل بزنند.

مادران برخاکسترداغ

می بینمت
زیر بارش سیلی باد
در بن بست تنهایی
آنگاه که خاکسترداغ شهر را
با تیشه انکشتانت
شیار می کنی
تا یادگار رنج خویش را
که شب هنگام
با نان و لبخند به خانه باز می گشت
بیابی

می بینمت
آن دم که شکاف خونین لب ت را
استخوان دودآلود انکشتی
مرهم می نهد
ونکاهت

دشنام زمانه را
به آسمان پرتاب می کند

وقتی که باران بمب
زمین را از زایش گندم
سترون میکند
بازماندگان حادثه را
از کوجه های نیمسوخته
به سفره اجساد قنداقی ها فرامی خوانی
تا تفرین ابدی را
بر پیشانی جنگ بنشانی

می بینمت
با بیرق آوارگی بردوش
در دشت های گر گرفته میهن
آنجا که قلب بزرگ عاشقت را
تکه تکه می کنند

آرش

رفیق حسین فتحی! بدرود!

رفیق حسین فتحی در سال ۱۳۰۰ در بخش "مهربان" سراب چشم به زندگی گشود. او در زمره "زحمتکشان" بود که در جریان اوج گیری نهضت انقلابی آذربایجان به صف فدائیان این خطه پیوست و سپس به فعالیتش در حزب ادامه داد. پس از پیروزی انقلاب فعالیت علنی اش را در شهر گنبد کاوس بی گرفت و تا هنگام دستگیری فعال بود. از نمونه های بارز اخلاقی و شخصیتی او انسان دوستی و فداکاری بود. همدردی و کمک بی دریغ به همبندانش در زندان، آن هم در شرایطی که خود شدت بیمار بود، از یاد نرفتنی است. رفقای زندانی اش و مردمی که در بین آنها زندگی می کرد و می شناختندش خاطره "او و ارزشهای والای انسانی اش را هیچگاه فراموش نخواهند کرد.

قهرمانان زنده اند
قهرمانان همواره زنده اند

قلب یکی دیگر از فرزندان حزب توده ای مادر اثر شکنجه از تیش باز ایستاد.
رفیق حسین فتحی، یکی از فعالان حزب در گنبد کاوس، در جریان یورش سراسری به حزب، در ۲۹ خرداد ۶۲، دستگیر شد. در تمام مدتی که زیر "بازجویی" بود وفاداری خود به حزب و آرمانهای زحمتکشان را نشان داد و از این رومورد شدیدترین کینه توزیهای شکنجه گراننش واقع شد. شکنجه های شدید جسمی و روانی، تغذیه "پد و شراب نامساعد روز بروز جسمش را تحلیل برد و در حالیکه بیماری او را بشدت رنج می داد، زندانبانان برای بهبودش هیچ اقدامی نکردند، تا جایی که در آستانه "مرگ" قرار گرفت. با آن که رفیق حسین محاکمه و به چند سال زندان محکوم شده بود، زندانبانان که متوجه وخامت حال او شده بودند، برای آن که مسئولیت مرگش را به گردن نگینند او را رها ساختند و در اوائل اسفند ۱۳۶۲ زندگی او پایان یافت.

جاوید باد خاطره تابناک شهیدان راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح!

البته این دو متن تفاوت اساسی با هم نداشت ولی در عین حال اختلافاتی هم میان آنها موجود بود. در خبر "اطلاعات" که از خبرگزاری رسمی کشور گرفته شده واژه "سید" از جلوی نام متهم و پدرش برداشته شده ولی در "جمهوری اسلامی" نام پدر سید مهدی هاشمی را "سید محمد" نوشته اند.

معلوم می شود سواى خلع لباس و خلع القاب مانند مورد "آیت الله العظمی سید کاظم شریعتمداری" که بجای محکوم شدن همراه با القابش ناکهان تبدیل به سید کاظم شریعتمداری شد، اینک خلع نام و خلع اصل و نسب هم رسم شده است و اگر "سید اولاد پیغمبر" مرتکب عملی خلاف میل "ولی فقیه" بشود واژه "سید" را از جلوی نام او و حتی نام پدرش برمی دارند!

البته در تاریخ معاصر ایران با "سادات" خاش و جاسوس بسیاری سرو کار داشته ایم که مزدوران کشورهای امپریالیستی و استعماری و عمال حلقه به گوش آنها در ایران بوده اند. در این زمینه می توان از کسانی مانند سید ضیاء الدین طباطبائی همکار رضاخان در کودتای حوت (اسفند) ۱۳۹۹، سید حسن تقی زاده عامل شرکت نفت انگلیس در ایران و عاقد قرارداد سال ۱۹۲۳ و ده ها تن دیگر از رجال و روحانیون سرشناس از آغاز نهضت مشروطیت تا کنون نام برد. ولی برای نخستین بار است که می بینیم اصل و نسب اشخاص نیز پنهان نگاه داشته می شود.

در پایان اطلاعیه خبرگزاری جمهوری اسلامی یکی از علل اصلی اعدام سید مهدی هاشمی تلویحا "تلاش در جهت ادامه اضلال مجرماتش از طریق مکاتبه و تماس مخفی در زندان که دلالت بر عدم توبه وی داشت" ذکر شده است. پس معلوم می شود برخلاف آنچه که تا بحال شنیده بودیم سید مهدی هاشمی توبه نکرده بوده و همه مطالب توبه

باز هم درباره...

صرف نظرا از راست یا دروغ بودن اتهامات وارده به سید مهدی هاشمی و یارانش، شیوه دستگیری و سپس مراحل بازجویی، محاکمه و اعدام آنها پرسشهای بسیاری را برمی انگیزد که قوای مقننه، مجریه و قضائیه کشور چه بخواهند و چه نخواهند باید پاسخگوی آنها باشند.

نخست اینکه روحانیون چه امتیازی بر دیگر مردم ایران دارند که باید در دادگاه ویژه محاکمه شوند؟ در کدام یک از قوانین اصلی کشور این امتیاز برای روحانیون برسمیت شناخته شده است؟ و از آن مهمتر اینکه چرا دادگاه ویژه روحانیت کسانی مانند سید مهدی هاشمی و یارانش را که روحانی نیستند محاکمه و حتی محکوم به اعدام می کند؟

آیا علت این نبوده که جامعه روحانیت می خواهد روی نقاط ضعف درونیش بی سروصدا سرپوش بگذارد و اسرار مگوی خود را در معرض دید همگان قرار نهد؟ ظاهرا چون در مورد سید مهدی هاشمی و یارانش مسائل به نحوی با حوزه "علمیه" قم پیوند پیدا می کرده است، اینرا بهانه ای برای حذف افکار عمومی بمقابله داور اصلی در این ماجرا کرده اند؟

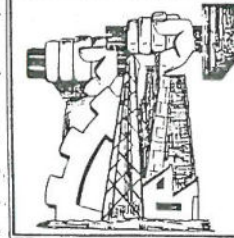
در متن خبر چاپ شده در روزنامه ها پیرامون اعدام سید مهدی هاشمی نکات قابل ذکر دیگری نیز می توان یافت. "جمهوری اسلامی" خبر را اینگونه آغاز کرده بود که گویا از سوی روابط عمومی "دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت" با خبرنگارش تماس گرفته اند، در حالی که "اطلاعات" متن خبر منتشر شده از سوی خبرگزاری جمهوری اسلامی را چاپ کرده بود.

مانندی که از قول او در رادیو و تلویزیون پخش کردند و در روزنامه ها نوشتند حاصل شکنجه ها و "تجزیرات اسلامی" و در نتیجه دروغ بوده است. وگرنه در اطلاعیه علنا گفته می شود که اگر او واقعا توبه کرده بود می توانست زنده بماند.

"قضات" دادگاه ویژه روحانیت پس از محاسبه "سرانگشتی" پی برده اند که زنده ماندن سید مهدی هاشمی با اطلاعات گسترده ای که از اسرار حاکمیت دارد میتواند در آینده منشا رسوائی تازه ای بشود. بنا بر این دستور قتل او را صادر کرده اند تا خیالشان آسوده گردد.

در حال تردیدی نیست که اینگونه محاکمه و اعدام اشخاص پایه اخلاقی و حقوقی ندارد و به معنای آدم کشی خودسرانه است. اگر سید مهدی هاشمی و یارانش آنطور که گفتند و نوشتند مجرم بودند باید آنان را در دادگاه های دادگستری با حضور هیئت منصفه و وکلای مدافع با حق درخواست تجدید نظر و فرجام محاکمه می کردند و نه در حلقه تنگ و خالی از اغیار سران مافیای حاکم:





از کارخانه‌ها و زندگی و رزم کارگران

ذوب آهن، آتش زیر خاکستر

از مجموع ۴۰ هزار کارگر ذوب آهن، در سالهای اخیر قریب ۶ هزار نفر بصورت بازخرید و اخراج و بازنشستگی کم شده است. بیشترین رقم از این کارگران رانبروهای متخصص تشکیل می‌دهند. پس از اعتصاب ذوب آهن در سال ۶۲، عوامل رژیم داشا در تلاشند تا با ایجاد جو خفقان کارگران را از اعتراض عمومی علیه شرایط ناهنجار کار باز دارند. شرایط سخت زندگی و دستمزد کم سبب شده که بسیاری از کارگران برای تأمین زندگی خود کار دوم اختیار کنند. اما این "کار دوم" که اغلب شامل کارهای سیاه از قبیل دستفروشی می‌شود نمی‌تواند باری از دوش آنها بردارد. کارگران ذوب آهن با مشکلات گوناگونی روبرو هستند. از چند ماه پیش یکی از کوره‌های بلند کارخانه کار نمی‌کند. بی‌نظمی و آشفتگی در وضع کارخانه و کارشنکی‌های عوامل رژیم در امور کاری متخصصان، کار این واحد عظیم صنعتی را با اشکال و اختلال زیاد مواجه ساخته است. مسئولیتهای سنگین عمدتاً به افراد معلوم الحال و بدنام محول شده که با رزتهای انقلابی و ظایف ضد انقلابی خود راندنابل می‌کنند. تعداد چشمگیری از کارگران اخراجی بدلیل درگیری با این عناصر از محیط کار رانده شده‌اند. در سالهای اخیر مسئولان ذوب آهن تلاش دارند طرحی رامینی بر تقلیل کارگران به ۲۰ هزار نفر پیاده کنند ولی اعتصاب بزرگ ذوب آهن و اعتراضهای جدی کارگران آنها را از عملی کردن طرح برحذر داشته است.

کارگران آگاه و مبارز ذوب آهن برآنند که وضع به این شکل کزدا رومرزشی نتواند ادامه پیدا کند و خواه ناخواه کارگران برای تحقق خواستههای صنفی خود ناگزیر هستند که به حرکت اعتراضی دست بزنند. آنها می‌گویند رژیم می‌خواهد هزاران کارگر را بکشد و تانکون کند و تاکنون بسیاری از مبارزترین کارگران را اخراج کرده است. در عین حال روزی نیست که در کارگاههای مختلف در کبریهایی لفظی و حتی فیزیکی میان کارگران و عوامل رژیم پیش نیاید. کارگران آگاه معتقدند که ذوب آهن به آتش زیر خاکستر می‌ماند.

در شهر صنعتی رشت

جو شدید ناراضی در میان کارگران شهر صنعتی رشت بالا گرفته است. ناراضی کارگران مسائل صنفی و سیاسی را دربر می‌گیرد. شهر صنعتی رشت از ده سال پیش پایه‌ریزی شده و منطقه وسیعی بین جاده‌های تهران و لاکان، با قطعات یک تاپنج هکتار را شامل می‌شود. در محل یاد شده تعدادی کارخانه تأسیس شده که بخشی از آنها با سرمایه گرومی از صنعتگران بکار افتاده و با فرار است بکار بیفتند. اغلب این صنعتگران با رو آوردن به تولید کاربر توانسته‌اند نسبت به رشته‌ای از صنایع موافقت اصولی بگیرند. اما با اشکال تراشی‌های فراوان روبرو می‌شوند. با وجودی که رژیم چنین

تبلیغ می‌کند که بانکها به این نوع سرمایه گذاران کمک خواهند کرد، ولی بانکها از پرداخت مبالغ مورد تعهد سرباز می‌زنند و تعدادی از کارگاهها و کارخانجات بحال نیمه تمام و غیر قابل بهره برداری رها شده‌اند. برخی از این کارخانه‌ها، مانند "پارس فنر"، کار ساختمان و نصب ماشین آلات را بپایان برده‌اند، اما بخاطر اجرای ۲۰ درصد بقیه کار که مسئولیت آن بعهده دولت است، بلا استفاده باقی مانده‌اند. در این شهر صنعتی بجز "پارس توشیبا" و امثال آن که هنوز مستقر نشده‌اند و در داخل شهر رشت تولید می‌کنند، کارخانجات ریخته‌گری، تانکر و بونکر سازی، رادیاتور و آلات و ادوات شواژ، مصنوعات نایلونی، آلات و ادوات برقی فعال هستند و کارخانجاتی نیز به سفارش سیاه آلات و ادوات جنگی تولید می‌کنند. کارگران که در واحدهای مختلف شهر صنعتی رشت کار می‌کنند، اغلب در روستاهای اطراف ساکن هستند و در شرایط ناهنجاری بسر می‌برند. خواسته‌های صنفی آنها عموماً به دریافت دیون معوقه، پیاده شدن طرح طبقه بندی مشاغل، مقابله با افزایش ساعات کار و قطع نهار مربوط می‌شود و جز اقلیت کوچکی بقیه با انجمن‌های اسلامی به شدت مخالف هستند. از نظر سیاسی اغلب کارگران نسبت به حاکمیت بدبین هستند و معتقدند که رژیم بجای آن که در خدمت "مستضعفان" باشد در خدمت "مستکبران" و کارخانه داران بزرگ قرارداد.

نامه یک "راننده بیابانی"

داشتن کارت شرکت در جبهه برای ما رانندگان یکی از ضروریترین مسائل زندگی روزمره شده است. اگر در جبهه شرکت کنیم و کارت داشته باشیم با ارائه آن می‌توانیم لاستیک و لوازم یدکی مورد نیاز را به قیمت دولتی دریافت داریم. ولی ما رانندگان که به هزار خون جگر توانسته‌ایم یک کامیون تهیه کنیم چطور می‌توانیم آنرا به جبهه ببریم و با اصابت یک خمپاره هست و نیست خود را از دست بدهیم. آخر در چنین صورتی چه کسی بما کامیون دیگری خواهد داد؟ دهها نمونه و مورد در این زمینه هست که به صاحب کامیون بعد از شش ماه تا یکسال کامیون فرسوده و غیر قابل استفاده‌ای بجای کامیون نابود شده‌اش داده‌اند. کامیونهای نو اغلب به نور چشمی‌ها که در جبهه شرکت می‌کنند داده می‌شود و در این زمینه آنقدر سو استفاده می‌کنند که کمتر راننده‌ای از آنها بی اطلاع است. همه جا بما اجحاف می‌شود. بهر کجا که می‌رویم در جاده و شهر و بندر از ما کارت شرکت در جبهه می‌خواهند. چون کارت جبهه نداریم باید قطعات یدکی و لاستیک را به قیمت آزاد بخریم. مثلاً برای یک جفت لاستیک باید مبلغی در حدود ۷۰ هزار تومان بپردازیم. چون کارت نداریم مرتب مورد توهین قرار می‌گیریم. از بندرعباس که بار می‌گیریم باید تعهد بسپاریم که ظرف چند روز دیگر به بندر بر می‌گردیم. برای اینکه این جریمه را نپردازیم باید هفت خان شرکت را بپایری را بگذرانیم و به هزارها خواهش و تمنا دل سنگ کارگران را برحم بیآوریم تا این مبالغ را از ما نگیرند. تازه اگر بار مثل شکر باشد و یا کالاهایی نظیر آن که هنگام بارگیری بعلت رطوبت وزن بیشتری دارد و وقتی به تهران می‌رسد بعلت گرمی هوا رطوبت آن از بین می‌رود و در نتیجه وزن کل کالا کم می‌شود و به ازای هر کیلو کمبود مبلغ ۷۰ تومان از ما کم می‌کنند. با اینکه خود مقامات به این مشکل آگاهند ولی بهر شکل ممکن موجب ناراحتی ما را فراهم می‌کنند. و باز باید با هزار خواهش و

تمنا بخواهیم و ثابت کنیم که از کلازدی نشده است و آنوقت پول کسر شده را پس بگیریم. و تازه معلوم نیست چرا شکری که با قیمت بسیار نازل خریداری می‌شود کیلویی ۷۰ تومان باید جریمه داد؟ ما رانندگان بیابانی در بین راه، از میدا تا مقصد، از هیچ امکان رفاهی، جز قهوه‌خانه‌های بین راه برخوردار نیستیم. در بندر که وارد می‌شویم، در محل ترمینال هیچگونه امکان رفاهی نداریم، در اطرافمان جز کثافت و بوی تعفن روغن که از کامیونها ریخته شده است چیز دیگری نیست، یک حمام که بتوانیم به محض ورود خود را بشوئیم، نداریم. ولی هر بار در ترمینال از ما به اجبار مبلغ ۴۰۰ تومان و بیشتر یا کمتر برای احداث مسجد دریافت کرده‌اند. ما رانندگان بارها تصمیم گرفتیم بعلت این همه اجحافات از بردن بار خودداری کنیم. در این زمینه قبل از عید موفقیت‌هایی هم داشته‌ایم. باز هم سعی بر این داریم تا بتوانیم حقوق خود را از طریق خودداری از بردن بار بدست آوریم...

کارگران آلومینیوم سازی

به جبهه نمی‌روند

در چهارمین روز از دهه محرم، کارگران کارخانه آلومینیوم سازی تهران را که بالغ بر ۷۰۰ نفر می‌شوند سوار اتوبوس کردند و به پادگانی در منطقه افسریه تهران بردند. کارگران به سانی هدایت شدند و فخرالدین حجازی شروع به سخنرانی کرد. کارگران بدون توجه به حرفهای او دائماً با هم بیچ می‌کردند و به ادا و اطوارهای مخصوص او می‌خندیدند. سخنران پس از صفرا و کبر اچیدنهای بسیار، از کارگران آلومینیوم سازی خواست که برای "نجات اسلام" به جبهه‌ها بروند. پس از آن تبلیغات چی‌های رژیم خواستار شرکت کارگران در جنگ شدند. اما نه سخنرانی حجازی و نه تبلیغات دیگر عوامل رژیم کاری از پیش نبرد. تنها تعداد اندکی با تردید به محل ثبت نام نزدیک شدند که چند نفر از آنها نیز برگشتند. یکی از عوامل رژیم در بحث خصوصی می‌گفت که چه در کارخانه‌ها و چه در محلات بسیج نیروی انسانی برای جبهه‌ها بسیار دشوار و کار حضرت فیل شده است. مردم تمایلی به شرکت در جنگ ندارند.

مسائل کارگران "صنایع چوب"

کارگران "صنایع چوب" (ملی شده)، واقع در تهران پارس، نسبت به اعزام اجباری به جبهه، عدم بکارگیری وسائل ایمنی، اضافه شدن کسور حقوق و دیگر مسائل صنفی معترض هستند. در این کارخانه قریب ۱۲۰۰ نفر در رشته‌های نجاری، درب سازی، روکش کاری و غیره کار می‌کنند و بویژه در کار جابجا کردن الواح، برش تنه درختان و دیگر کارهای سنگین متحمل عوارض جسمی گوناگون می‌شوند. مثلاً تعداد قابل توجهی از کارگران این واحد یک یا چند انگشت دست با پای خود را از دست داده‌اند. مدیریت و انجمن اسلامی "صنایع چوب"، به گفته کارگران، برای خوش رقصی در برابر رژیم از چنان کارکنان این واحد مایه می‌گذارند و با تهدید و چرب زبانی هر از چندی گروهی را روانه جبهه می‌کنند. تاکنون اعتراض کارگران در زمینه‌های یاد شده بجائی نرسیده و همین امر موجب افزایش دامنه اعتراض شده است.

کارگران "مالی بل"

حق بهره‌وری گرفتند

کارگران "چدن چکش کار ایران" (مالی بل سابق) که بالغ بر ۷۰۰ نفر می‌شوند، با یک حرکت جمعی اعتراضی توانستند بخشی از حق بهره‌وری شش ماهه اول امسال خود را بگیرند. اعتراض و مبارزه برای تحقق خواسته‌های صنفی همچنان ادامه دارد.

مدیریت کارخانه از پرداخت حق بهره‌وری کار برای ۶ ماهه* سال ۶۶ سرباز می‌زد. روز اول مرداد کارگران به نشانه* اعتراض دست از کار کشیدند. مهندس شایگان، مدیر کارخانه، از حرکت کارگران بوحشت افتاد و از آنان خواست به سرکار خود برگردند و ۱۵ روز برای محاسبه و پرداخت حق بهره‌وری به او مهلت بدهند. کارگران از او قول گرفتند که در نیمه* مرداد بجای مساعده حق بهره‌وری بگیرند و با این شرط به سرکار بازگشتند. پیش از فرا رسیدن روز موعود، مدیریت اعلام کرد که طبق محاسبه* کامپیوتر به هر کارگر معادل ۶ روز کار حق بهره‌وری تعلق می‌گیرد. از این ۶ روز، ۵ روز طلب کارخانه است و یک روز پرداخت می‌شود. در میان کارگران این زمزمه که مارا مسخره کرده‌اند و دست انداخته‌اند در گرفت. روز سه شنبه بعد از ظهر، وقتی مدیر عامل کارخانه وارد یکی از قسمتها شد، کارگران او را در میان گرفتند و بحث اعتراض آمیز در گرفت. مدیریت که درمانده شده بود با عصبانیت گفت: "هر کاری که می‌خواهید بکنید، همین است که هست". در پی این برخورد مدیر عامل، کارگران ماشین‌ها را خواباندند و گرد هم جمع شدند. آنها خشمگینانه و با دادن شعار، بست دفتر مدیر عامل حرکت کردند. طاهرپور، مسئول انجمن اسلامی، سراسیمه بطرف جمع دوید و فریاد زد: "برادرها چکار می‌کنید؟ مگر نمی‌دانید که مسئله* اصلی جنگ است و عوامل بیگانه توطئه می‌کنند تا کشور را به اغتشاش بکشند". این سخن موج ملتهب و گفته‌های تخرآمیز کارگران را در پی داشت. سرانجام شخص یاد شده از کارگران یک ساعت وقت خواست تا مشکل را حل کند. کارگران به او وقت دادند، این در حالی بود که اغلب آنها نسبت به او نظر خوش نداشتند و او را عامل رژیم می‌دانستند. متعاقب رفتن مسئول انجمن اسلامی به دفتر مدیر عامل، سرپرستهای قسمتهای مختلف نیز به اتاق مدیر عامل دعوت شدند و بحث بین آنها تا ۲ بعد از ظهر بطول انجامید. کارگران که نمی‌دانستند پشت درهای بسته چه می‌گذرد و چه تصمیمی درباره* خواست آنها گرفته می‌شود مرتب فریاد می‌زدند: چه شد؟ آقای طاهرپور یک ساعت چقدر طولانی شد؟ و غیره. در این میان کارگران شیفت بعد از ظهر نیز آمدند و به همکاری خود پیوستند. برای پراکندن کارگران، اعلام شد که سرویس‌ها منتظرند و چند لحظه* دیگر حرکت می‌کنند. از بین جمع تعداد معدودی با سرویس‌ها رفتند ولی اکثریت قریب به اتفاق کارگران ماندند. سرانجام مسئول انجمن اسلامی بیرون آمد و با سخنرانی بی‌ربط خود درباره* "ضرورت" مبارزه با کفر جهانی و کمک به "پیروزی رزمندگان اسلام" و غیره حوصله* کارگران را سر برد و وقتی که واکنش منفی را در چهره‌های خشمگین کارگران دید ناگزیر از سخنرانی باز ایستاد. مدیر عامل که هوا را پس می‌دید ناچار شد که بمیان کارگران بیاید و اعلام کند که به هر نفر



مدیران داخلی کارخانه شدند. و خود - اگر چه ماشین‌ها را روشن گذاشتند - دست از کار کشیدند. سرانجام ژاندارمری و سپاه از سوئی و مدیر کل اداره* کار مشهد از سوی دیگر دخالت کردند و با تهدید و در عین حال چرب زبانی و با وعده* حل قضیه کارگران را موقتاً ساکت کردند. اما کارگران از خواست خود منصرف نشدند و کار اختلاف با کارفرمایان ابتدا به دادگستری کشید و چون از حوزه* وظایف آن خارج بود به شورای حل اختلاف اداره* کار مشهد محول شد. در ادامه* این روند نماینده‌ای از وزارت کار به مشهد آمد و پس از "بررسی" مسئله به تهران بازگشت. هنوز نتیجه* کار او معلوم نیست.

اینک که از نیمه* دوم سال ۶۶ نیز قریب یکماه سپری شده است، دیگر بار زمزمه* مبارزه، از جمله بر سر گرفتن عیدی، بالا گرفته است. کارگران گفته‌اند که اگر حقوق عقب افتاده* آنها داده نشود و عیدی امسال معادل سه ماه حقوق نباشد، ممکن است کار به اعتصاب بکشد.

دو خبر از "پارس خودرو"

* در "پارس خودرو"، سازنده* اتومبیلهای "پاترول" و "جیب"، ناگهان ماموران سپاه ریختند و کمد وسایل کارگران را جستجو کردند. علاوه بر آن به نقاط مختلف کارخانه رفتند و جاهای مورد نظرشان را مورد بازرسی قرار دادند. معلوم شد که سوپچ چندین اتومبیل نیسان پاترول، که قرار بود تحویل سپاه داده شود، مفقود شده است. سپاه هر چه گشت کمتر یافت و دست از پادرازتر کارخانه را ترک گفت.

* همچنین یکی از کارگران این واحد را به اتهام سرقت متهمی ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۹۰ و غیره دادگاهی کردند. متهم در جریان دادگاه گفت: اگر شاقدری اطلاعات فنی داشته باشید متوجه می‌شوید که این متهم هر کدام چند کیلو وزن دارد و در جیب با جوراب کسی جانی می‌گیرد. بنابراین با این بازرسانی که دم در وجود دارند و همه چیز را کنترل می‌کنند سراغ دزد رانباید در میان کارگران بلکه باید در میان کارفرمایان و کسانی که بدون کنترل از کارخانه خارج می‌شوند گرفت. دادگاه او را تبرئه کرد، اما "امور اداری" که تاب تحمل وجود چنین کارگری در کارخانه رانداشت او را باز خرید کرد و از محیط کار بیرون انداخت.

دو خبر از اعتصاب

* اخیراً در ماه شهریور، رانندگان شرکت‌های اتوبوسرانی و مسافربری که در مسیر مشهد-تهران کار می‌کنند به علت اعتراض به نادیده انگاشتن خواسته‌هایشان، دست به اعتصاب زدند که تا اوایل مهرماه ادامه داشت.

* همچنین رانندگان شرکت‌های مسافربری که در خط تهران-شیراز کار می‌کنند، به علت اعتراض به حرکات توهین آمیز کمیته‌های مستقر در جاده‌ها و دخالت آنها در امور شخصی رانندگان، دست به اعتصاب زدند که تا اوایل مهرماه ادامه داشت.

۹۰۰ تومان پرداخت خواهد شد. کارگران به اعتراض خود ادامه دادند و سرانجام توانستند ۹۰۰ تومان را به ۱۶۰۰ تومان افزایش دهند. این در حالی بود که اغلب آنها حق بهره‌وری را خیلی بیشتر از ۱۶۰۰ تومان می‌دانستند. در این میان، مدیریت خواست بر سر کارگران منت بگذارد و گفت: شماها کم کار می‌کنید و در نتیجه کارخانه قادر به پرداخت حق بهره‌وری نیست. این را که من قبول کردم بپردازم، با استفاده از اختیارات شخصی است. او به کارگران گفت که شما روزانه دوساعت کم کار می‌کنید. یکی از کارگران در پاسخ او گفت: همه* کارهای کارخانه خراب است. مدیریت قابل و طرح و برنامه* اساسی وجود ندارد، اشکال کار از آنجاست. کارگران دیگری نیز با اشاره به نکات دیگر مدیریت را به باد انتقاد گرفتند و از جمله نسبت به حذف تعطیلات تابستانی از برنامه* کارخانه شدیداً اعتراض کردند. مدیر عامل که سخت مستاصل شده بود تقصیر را به گردن دولت انداخت.

درگیری با کارفرمایان

در "الکتريك خراسان"

درگیری میان کارگران و کارفرمایان کارخانه* الکتريك خراسان (سیم)، واقع در ۵ کیلومتری مشهد - جاده* قوچان - به افزایش اعتراضات در این واحد می‌انجامد. یکی از مهمترین مسائل مورد اختلاف میزان پاداش سالانه است که در نوروز هر سال پرداخت می‌شود. بر اساس قرار داد، هر سال معادل سه ماه حقوق به کارگران عیدی داده می‌شود. این قرارداد تا پایان سال ۶۲ رعایت شد. اما از سال ۶۴ با استناد به آئین‌نامه وزارت کار - مصوبه* سال ۵۹ - رقم مورد نظر به معادل دو ماه حقوق کاهش یافت. در دی ماه سال پیش در اثر افزایش موج اعتراض کارگران، مدیر عامل شرکت از تهران به مشهد آمد و خواست از جمله با تکیه بر سطح پائین تولید بدلیل کمبود مواد اولیه سر آنها شیره بمالد. اما مدیر عامل، علیرغم تلاش‌هایش نتوانست کاری از پیش ببرد. کار بجائی رسید که کارگران تا ۲۴ ساعت - سه شیفت - مانع خروج مدیر عامل و دو تن از

کارگران مبارز! برای دستیابی به خواسته‌های صنفی و سیاسی خود، همتایان و متحدان خود را!



انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر و جنبش آزادیبخش ملی (۳) همکاری اقتصادی

کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی با کشورهای نواستقلال در زمینه کشاورزی نیز فعالانه همکاری می‌کنند. با کمک اتحاد شوروی ۶۹ بنگاه آبیاری و بهبود زمین به منظور کشت هفتصد و چهل هزار هکتار زمین در این کشورها ساخته می‌شود. گذشته از این، کشورهای سوسیالیستی برای سازماندهی کشتزارهای دولتی و تعاونی و همچنین کارگاههای تعمیرات و خدمات ماشینهای کشاورزی نیز به این کشورها کمک می‌کنند. همه این پروژه‌ها برای رشد اجتماعی روستاها حیاتی است.

آموزش حرفه‌ای به کارگران، مهندسان، تکنسین‌ها، معلمان و کارکنان بخش‌های اداری - مدیریت و علمی نیز در روابط اقتصادی بین کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد اهمیت ویژه‌ای دارد. بویژه اتحاد شوروی در این زمینه تلاش ارزشمندی می‌کند. دانشجویان کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین در دانشگاه دوستی خلقها بنام "پاتریس لومومبا" در مسکو و همچنین ۱۱ دانشگاه دیگر و ۴۰ موسسه آموزش عالی اتحاد شوروی تحصیل می‌کنند. با کمک معلمان شوروی هر سال هفتاد تا هشتاد هزار نفر از کشورهای رشدیابنده دوره‌های مختلف آموزش صنعتی را می‌گذرانند و آموزش فنی - حرفه‌ای، تخصصی و عالی می‌بینند. اتحاد شوروی تاکنون ۱/۷ میلیون نفر متخصص را در رشته‌های مختلف آموزش داده و ۲۴۹ موسسه آموزشی، فرهنگی و پزشکی در کشورهای در حال رشد ساخته است.

کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی همکاری خود را با کشورهای رشدیابنده بازم گسترش خواهند داد زیرا این کار باعث رشد اقتصاد ملی و تحکیم استقلال اقتصادی این کشورها و همچنین رشد روابط اقتصادی متقابل سودمند با این کشورها خواهد شد. به این ترتیب کشورهای سوسیالیستی به کشورهای تازه از بند رسته در مبارزه عادلانه آنان با امپریالیسم و برای استقرار نظم نوین اقتصاد بین‌المللی و همچنین مبارزه با اشکال پنهان و آشکار بهره‌کشی نواستعماری، کمک می‌کنند. اصل انترناسیونالیسم پرولتری اینگونه به عمل درمی‌آید.

در کنفره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۶ و همچنین در کنفره‌های احزاب برادر کشورهای سوسیالیستی دیگر، سیاست پیکر کشورهای سوسیالیستی برای تحکیم اتحاد با جنبش آزادیبخش ملی بار دیگر مورد تأکید قرار گرفت. اکنون که کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره سابق، سرنوشت خود را بدست گرفته‌اند، و در صحنه بین‌المللی فعال شده‌اند، اینک که دهها دولت جوان نواستقلال سیاست ضدامپریالیستی در پیش گرفته‌اند، ائتلاف نیروها در عرصه جهانی بطور چشمگیری بسود پیشرفت و سوسیالیسم تغییر یافته است. در سالهای ۸۰ - ۱۹۷۰ فعالیت این کشورها در زمینه سیاست خارجی آنها را قادر ساخت که در تحولات جهانی مواضع چشمگیری را بدست آورند. بویژه اعتبار فزاینده دولتهای جوان در فعالیتهای سازمان ملل متحد و شعب تخصصی آن احساس می‌شود؛ این فعالیتهای نقش سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی، دولتی و غیر دولتی کشورهای رشدیابنده مانند سازمان وحدت افریقا، اوپک، آپسو (سازمان همبستگی خلقهای افریقا و آسیا)، "جامعه عرب" و غیره را بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است. افزایش نفوذ جنبش غیرمتهمها در صحنه بین‌المللی نیز بازتاب اعتبار این دولتهاست. میخائیل گورباچف در کنفره ۲۷ حزب کمونیست اتحاد شوروی گفت: "انقلابهای آزادیبخش که در نتیجه پیروزی انقلاب کبیر اکبر بوجود آمدند، اکنون چهره قرن بیستم را ترسیم می‌کنند. اگرچه دستاوردهای علم و فن قابل ملاحظه‌اند و تاثیر پیشرفت سریع علمی و فنی بر زندگی جامعه عظیم است، هیچ چیز بجز رهائی اجتماعی و معنوی انسان نمی‌تواند او را حقیقتاً آزاد کند."

کمک اقتصادی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی دیگر به ملت‌های تازه از بند رسته در رشد اقتصادی - اجتماعی آنان اثرات مستقیم و غیرمستقیم بزرگی دارد. روابط اقتصادی کشورهای سوسیالیستی با ملت‌های دیگر بر پایه اصول نفع متقابل، برابری و رعایت منافع سیاسی و اقتصادی دوجانبه استوار شده است. در این روابط بطور عمده شکل گیری و تحکیم بخش دولتی در اقتصاد کشورهای تازه از بند رسته در مرکز توجه قرار می‌گیرد. بخش دولتی در اجرای وظایف عمده اقتصادی و افزایش نرخ رشد و تحکیم استقلال اقتصادی این کشورها نقش مهمی دارد.

اگر چه کمک اقتصادی و فنی به دولتهای در حال رشد، بسیاری از شاخه‌های اقتصادی ملی (صنعت، کشاورزی، خدمات شهری، حمل و نقل، ارتباطات و غیره...) این کشورها را در برمی‌گیرد، اولویت به صنعت بطور کلی و صنایع تولید نیرو داده می‌شود که بیش از ۷۰ درصد از حجم کمک اقتصادی و فنی کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی را به کشورهای در حال رشد، تشکیل می‌دهد. تأکید بر رشد صنعتی به دلیل آنست که صنعتی کردن پایه رشد شتابان اقتصاد عقب مانده و بهبود ساختار اجتماعی کشورهای در حال رشد را بوجود می‌آورد.

چنانکه لنین تأکید می‌کرد، رهائی اقتصادی عامل عمده استقلال واقعی خلق‌های است که خواهان استقلال سیاسی هستند. امکانات وسیعی که در نتیجه روابط اقتصادی دولتهای جوان نواستقلال با کشورهای سوسیالیستی برای این دولتها فراهم می‌آید تا بتوانند حاکمیت ملی خود را مستحکم سازند، اقتصادی مستقل برپا دارند و به پیشرفت اجتماعی دست یابند، بویژه در پیروی از همین نظریه لنین فراهم می‌گردد.

روابط اقتصادی دولتهای جوان نواستقلال با کشورهای سوسیالیستی باثبات نسبی رشد یافته است. طی ده ساله گذشته، حجم بازرگانی کشورهای سوسیالیستی با این دولتها از پنج هزار میلیون روبل به سی هزار میلیون روبل، یعنی شش برابر، افزایش یافته است.

اتحاد شوروی در روابط اقتصادی سوسیالیسم جهانی با دولتهای جوان نواستقلال نقش پیشاهنگ را دارد و ۵۰ درصد از پروژه‌های همکاری با این ملت‌ها را اجرا می‌کند. برای مثال موسسات صنعتی که با کمک اتحاد شوروی ساخته می‌شود، کشورهای نواستقلال را قادر می‌سازد سالانه ۱۴ میلیون تن آهن، ۱۰/۲ میلیون تن ورقه فلزات تولید و ۱۷/۹ میلیون تن ذغال سنگ و ۶۷/۲ میلیون تن نفت استخراج کنند. با اجرای کامل موافقتنامه‌های جدید، این تولیدات به ۲۷/۱ میلیون تن آهن، ۲۴/۷ میلیون تن ورقه فلزات، ۸۲/۲ میلیون تن ذغال سنگ و ۱۰۷/۸ میلیون تن نفت افزایش خواهد یافت. اتحاد شوروی به کشورهای تازه از بند رسته کمک می‌کند که سالانه ۱۹/۸ میلیون تن نفت را تصفیه کنند و قدرت نیروگاه‌های برق خود را تا ۱۲/۵ میلیون کیلووات افزایش دهند. با اجرای موافقتنامه‌های جدید که به امضای رسیده است، این تولیدات نیز به ۲۹/۸ میلیون تن نفت تصفیه شده و ۲۱/۱ میلیون کیلووات افزایش خواهد یافت.

کشورهای سوسیالیستی در قراردادهای خود با کشورهای تازه از بند رسته، موسسات کامل و آماده به کار به این کشورها تحویل می‌دهند. از سال ۱۹۶۳ کشورهای سوسیالیستی چندین موافقتنامه بازرگانی اعتباری با کشورهای در حال رشد امضا کرده‌اند. در چنین موافقتنامه‌هایی، اعتبار سرمایه گذاری شده را با کالاهایی که محصول این پروژه‌های صنعتی هستند،

پرداخت می‌کنند. در نتیجه اجرای این روش منکام تسویه حساب نهائی از مشکلات ارزی و مالی اجتناب می‌گردد و رشد اقتصادی کشور تحویل گیرنده پروژه افزایش می‌یابد.

حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی نیرومندترین و

صادق‌ترین پشتیبانان جنبش انقلابی همه خلق‌های جهانند!

اشهد نابهنگام

"اینجانب سید ابوالحسن (حائری زاده) فرزند سید کاظم، شهادت می‌دهم به وحدانیت خداوند و مسلمانان و شیعه اثنی عشری. به نبی گرامی اسلام و قرآن ایمان دارم..."

معمولا هر یک از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در چارچوب تشریفات رسمی، پس از انتخاب شدن چنین سوگندی می‌خورد و "وفاداری" خود را به شرع اسلام اعلام می‌دارد. اما چرا آقای حائری زاده حالا پس از چند سال از انجام تشریفات یاد شده، دیگر باره "وحدانیت خداوند و..." شهادت می‌دهد؟ چرا تنها او و نه دیگران؟ به سخنان خود او در سخنرانی پیش از دستور مجلس مراجعه می‌کنیم:

"تجارت فقه را قبول دارم و دلالی را به اینگونه که میلیتورهای بازارها دارند حرام می‌دانم. قرض الحسنه را صد درصد قبول دارم، اما نه (آنکه) صندوق کلان کار بانکی کند. با سودپرستی چند صد میلیون تومانی بیاید کار بیجانکاری کند. ماشین آلات راهسازی و ساختمانی با ارز ارزان بگیرد و بعد هم ماشین آلات سنگین به کجا می‌رود، با چه قیمت می‌فروشد، آخر کار معلوم نباشد. نظارتی از دولت نیز نباشد." او با اشاره به "قانون عملیات بانکی بدون ربا" می‌افزاید: "مخالفم که سازمانی با دهها میلیارد تومان سرمایه و پول در گردش کار بانک مرکزی جدا از دولت داشته باشد. یعنی دولت در دولت. چند ماه قبل رسماً از دولت خواستم که رابطه دلالها و رابط های انگلیسی را با اتاق بازرگانی معلوم کند. اینها هم با هم مرتبط اند. میلیاردها با بلیط ارز دولتی به کویت و از آنجا به لندن سفر می‌کنند، آن هم ۱۷ شهریور. آیا اینان پیام ۱۷ شهریور را به لندن می‌برند؟ با دولت هماهنگ نیستند که هیچ، خود دولت جدا دارند. من اعلام می‌کنم که از پیش رای خریدن جرم است، سلف‌خری کالاها به سلف‌خری آراء رسیده است..."

حائری زاده پیش از این نیز، در چارچوب درگیری میان جناحها بر سر قدرت، بر واقعیت‌هایی از این دست که می‌شمارد اشاره کرده است. معلوم است که "اسلام" مورد نظر کسانی که با دهها میلیارد تومان سرمایه و پول در گردش "کار بانک مرکزی جدا از دولت" دارند و به اعتراف رفسنجانی در نماز جمعه "حق ولایت" برای خود می‌خواهند با بیان چنین مسائلی جور در نمی‌آید و در مسلمان بودن ناپسند زبان درازی که پا به حریم ممنوع می‌گذارد و گوشه‌ای از اسرار نهفته را فاش می‌سازد تردید میکنند. بنا بر این نماینده خود را ناگزیر می‌بیند که دیگر باره به وحدانیت خداوند شهادت دهد.

در رژیم ساقط شده شاه و اکنون در رژیم جمهوری اسلامی رسم بر این بود و هست که هر دهان معترضی را با برچسب "کمونیسم" و یا "الحاد" و "شرک" و غیره ببندند. این در حالی است که چنین اشخاصی اغلب خود از دشمنان

شکست حزب در ۴۰۰

تجاوز امریکا محکوم شد

به ابتکار حزب توده ایران، "کنفرانس سوم" بیانیه‌ای بشرح زیر صادر کرد:

"سومین کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری منطقه مدیترانه شرقی، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ عملیات نظامی اخیر ایالات متحده را محکوم می‌کند و آنرا بمثابه تجاوزی می‌شمرد، که تنها می‌تواند تنش انفجار آمیز کنونی را در منطقه شدت بخشد.

این عملیات نقض آشکار مفاد و روح قوانین بین‌المللی و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد بشمار می‌رود و سدی است در راه اجرای این قطعنامه.

عملیات نظامی اخیر این شک را برمی‌انگیزد، که اظهارات سردمداران ایالات متحده آمریکا مبنی بر تمایل به پایان جنگ ایران و عراق ادعایی بیش نیست و از مقاصد شوم همونیستی و سلطه‌گرایانه "واشینگتن" برده بر می‌دارد. کنفرانس سوم دولت ایالات متحده و دیگر کشورهای "ناتو" را قرامی خواند، تابه تجاوزات و تحریکات خود در منطقه خلیج فارس بخشد و از اینراه از بروز فاجعه‌ای پیش‌بینی ناپذیر جلوگیری کنند. ما خواهان خروج نیروهای دریایی کورهای هستیم، که جای آنها در منطقه خلیج فارس نیست و بر رعایت قوانین بین‌المللی و تضمین کشتیرانی آزاد در خلیج فارس، زیر نظارت سازمان ملل متحد، تاکید می‌ورزیم.

خطر جنگ برای صلح جهانی

جنگ ایران و عراق در "اعلامیه سومین کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری منطقه مدیترانه شرقی، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ" نیز انعکاس برجسته یافته است.

در بخشی از این اعلامیه می‌خوانیم:

"جنگ ایران و عراق، که اکنون هشت سال است ادامه دارد و خسارات انسانی و مادی هنگفتی به بار آورده و به تضعیف هر دو کشور منجر شده است، تنها به پیشبرد دسیسه‌های متجاوزترین محافل امپریالیستی، صهیونیستی و ارتجاعی کمک می‌رساند. بی‌آمدهای انفجار انگیز این جنگ دیگر به دو کشور درگیر محدود نیست، بلکه سراسر منطقه را فرا گرفته و آنرا به کانون تنش بدل کرده است، که صلح جهان را به مخاطره می‌افکند.

این جنگ، که رژیم عراق آغازگر آن بود و دسیسه‌های امپریالیسم و ساجت رژیم ایران سبب ادامه آن شده است، دستاویزی است برای "شورای همکاری خلیج" جهت هم‌پیوندی بیشتر با استراتژی امپریالیسم. جنگ ایران و عراق همچنین بهانه‌ایست در دست رژیم‌های منطقه برای تشدید سیاست سرکوبگرانه و ضد دموکراتیک خود علیه

کمونیستها هستند و نیز اطرافیان‌شان هیچگاه در مسلمان بودنشان تردید بخود راه نداده‌اند. تجربه نشان داده است، همینکه پای افشای دزدی‌های چندمیلیاردی از ثروتهای ملی و فساد و ارتش، دولتمردان و کسانی که زیر سایه آنها هر روز شکم خود را بزرگتر می‌کنند پیش می‌آید، ناگهان به پیششماز مسجد هم برچسب "کمونیست" و "ملحد" زده می‌شود.

نیروهای میهن دوست، دمکرات و پیشرفت جو. رژیم عراق نه تنها علیه نیروهای ایرانی، بلکه همچنین علیه اهالی روستاهای کردنشین و اپوزیسیون ملی و دموکراتیک عراق، به استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی دست زده است. اقدامات رژیم عراق سبب شده است، که رژیم خودکامه ترکیه به عملیات نظامی علیه نیروهای میهن دوست و دموکراتیک عراق بپردازد و مقاصد توسعه طلبانه محافل شوونیست "آنکارا" را بار دیگر احیا کرده است.

شرکت کنندگان کنفرانس پشتیبانی خویش را از پیکار کمونیستها و دیگر نیروهای دمکراتیک عراق و ایران برای پایان بخشیدن به جنگ و در راه حقوق و آزادیهای دمکراتیک اعلام می‌دارند.

"اعلامیه" سپس ادامه می‌دهد:

"شرکت کنندگان کنفرانس خواستار خروج فوری نیروهای دریایی و مسلح از منطقه خلیج فارس هستند. باید به جنگ میان عراق و ایران بیدرنگ پایان بخشید و اختلافات میان دو کشور را از راههای مسالمت آمیز و برپایه احترام متقابل به استقلال و حاکمیت ملی و در چارچوب قوانین بین‌المللی و قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت حل کرد. خلقهای ایران و عراق باید حق آنرا داشته باشند، که نظام سیاسی و اجتماعی دلخواه خود را آزادانه برگزینند. شرکت کنندگان در کنفرانس پشتیبانی خود را از کوششهای پیگیر اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در این راستا اعلام می‌دارند."

فزون بر "بیانیه" و "اعلامیه" نامبرده، در "کنفرانس سوم" اسناد مهم دیگری نیز، از جمله دو پیام همبستگی به دولت نیکاراگوئه و "کنگره ملی آفریقا" و اظهاریه‌ای درباره "مفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر" به تصویب رسید.

شرکت نماینده حزب

در کنفرانس مطبوعاتی

اسناد کنفرانس روز ۲۲ اکتبر در کنفرانس مطبوعاتی در "کانون مطبوعات" آتن اعلام شد. بنا بر تصویب "کنفرانس سوم"، در کنفرانس مطبوعاتی نامبرده، نمایندگان حزب توده ایران، حزب کمونیست یونان، حزب کمونیست اسرائیل، حزب کمونیست فلسطین و حزب دموکراتیک خلق افغانستان شرکت کردند و به پرسش‌های رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی، از جمله خبرگزاریهای بزرگ جهان و تلویزیون یونان، پاسخ گفتند.

نماینده حزب توده ایران در روزهای اقامت خود در یونان همچنین با سه روزنامه یونانی "ریزوس پاس تیس" (ارگان حزب کمونیست یونان و پرتیراژترین روزنامه صبح یونان)، "تانیبا" (نزدیک به حزب "پاسوک" و پرتیراژترین روزنامه عصر یونان)، "ای یرونی" (روزنامه مترقی) و یک روزنامه سنگالی مصاحبه کرد. وی در این مصاحبه‌ها، فزون بر محکوم کردن تجاوزات اخیر آمریکا، به افشای سیاستهای جنگ طلبانه و سرکوبگرانه رژیم خمینی پرداخت و نظر افکار عمومی جهان را بویژه به اعدام و شکنجه زندانیان توده‌ای و دیگر زندانیان سیاسی معطوف ساخت.

مشروح اسناد "کنفرانس سوم" احزاب کمونیستی و کارگری منطقه "مدیترانه شرقی، خاور نزدیک و میانه و دریای سرخ" بعداً به اطلاع عموم خواهد رسید.

دوشنبه میاه سرمایه‌داری

در هفته گذشته بحران شدیدی بورس‌های عمده سهام کشورهای سرمایه‌داری را لرزاند. ارزش سهام در سراسر جهان سرمایه‌داری از روز دوشنبه ۱۹ اکتبر تا پایان وقت معاملات تجاری سه‌شنبه ۲۰ اکتبر ۸۷ با معاملات تب‌آلود دو هزار میلیارد دلار سقوط کرد. در نیویورک شرکت‌هایی مانند مریل‌لینچ، فورد و یو.اس. اکس کورپ، صدها میلیون دلار برای بازخرید سهام خودشان که سهامداران بخاطر نگرانی از سقوط بیشتر ارزش آن، فروخته بودند، پرداختند تا بلکه قیمت سهام را بالا نگهدارند و معاملات اتوماتیک کامپیوتری متوقف شد.

جیم رایت، سخنگوی مجلس نمایندگان آمریکا خواهان تشکیل جلسه‌ای برای "یافتن راه حل هائی برای بحران اقتصادی" شد. اما کاخ سفید این پیشنهاد را به بهانه باثبات بودن اوضاع اقتصادی کشور رد کرد.

در بریتانیا سقوط ارزش سهام چند شرکت بزرگ از این قرار است:
بارکلیز ۲۶/۷۱ درصد
بریتیش گس ۱۲/۷۷ درصد
نیووست ۳۲/۵۷ درصد
رولز رویس ۳۷/۶۶ درصد

در نیویورک اعلام شد که سقوط ارزش سهام در مقایسه با بحران سال‌های ۲۲ - ۱۹۲۹ شدیدتر بوده و به ۱۲/۶ درصد یعنی دو برابر سال ۱۹۲۹ رسیده است. سقوط یک روزه ارزش سهام در ۲۹ اکتبر ۱۹۲۹ بمیزان ۱۲/۹ درصد بود که تقریباً نصف این رقم در دوشنبه ۱۹ اکتبر ۸۷ است. عواملی که باعث این بحران شدند عبارتند از کسری بودجه ایالات متحده آمریکا که برای سال جاری تاکنون به بیش از صد و پنجاه میلیارد دلار می‌رسد، رقابت‌های پولی آمریکا با آلمان فدرال که آمریکا به منظور پایین آوردن نرخ بهره در آلمان فدرال انجام می‌دهد، تمایل شدید سهامداران به فروش سهام خود بخاطر نگرانی از سقوط بیشتر ارزش سهام و بالاخره اوضاع بحرانی و خطرناک خلیج فارس که ممکنست باعث اختلال شدید در جریان نفت بسوی انحصارات اروپای غربی و ژاپن شود.

وضع پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش

هم اکنون بسیاری از زنان و مردان ایرانی در اردوگاه‌های اتریش و دیگر مراکز، چشم‌انتظار آینده نامعلوم خود هستند. این پناهندگان پر شمار که روز بروز نیز به تعدادشان افزوده می‌شود چه بسا تا نزدیک به سه سال است که از اتریش تقاضای پناهندگی کرده و هنوز پاسخی نکرفته‌اند.

شرایط زیست در اردوگاهها بسیار دشوار است. اکثراً نزدیک به ده تن در یک اتاق کوچک زندگی

می‌کنند. وضع تغذیه و استحمام نیز رضایت بخش نیست. پناهندگان تنها یک روز در هفته حق دارند از حمامی که آبش حتی به اندازه کافی گرم نمی‌شود استفاده کنند. پول توجیبی که هرنفر دریافت می‌کند در ماه فقط ۲۶ شیلینگ است. ۱۲ شیلینگ پول روزانه حتی کفاف رفت و آمد عادی را نمی‌دهد چه رسد به برآوردن نیازهای مبرم یک انسان.

اخیراً ۵۵ تن از متقاضیان پناهندگی سیاسی نامه‌ای به وزارت کشور اتریش فرستادند و مشکلات غیر قابل تصویری را که با آن روبرو هستند توضیح دادند.

بدون تردید همبستگی پناهندگان سیاسی با یکدیگر و احتراز از بروز اختلافات درونی که گاه حاصل زندگی در محیط تنگ اردوگاه‌هاست میتواند بهترین کمک برای بهبود شرایط زندگی‌شان باشد.

خبرهایی از زندان

- پیش از ورود پرزکوئبار، دبیرکل سازمان ملل متحد به تهران، بخش‌های کوچکی از زندان کوه‌رشدت تغییر چهره پیدا کرد. وسائل ورزشی از جمله بینگ پنگ و لباس‌های نو به زندان راه یافت. علتش آن بود که مسئولان قصد داشتند یک دیدار نمایشی از زندان برای دبیرکل سازمان ملل ترتیب دهند که نشد.

- اخیراً اداره زندان دیزل‌آباد کرمانشاه از حیطة اختیار شهربانی خارج شده و به سپاه پاسداران سپرده شده است. در این زندان هم زندانیان عادی و هم زندانیان سیاسی بسر می‌برند. چندی پیش بمناسبت شرایط بد زندان، زندانیان دست به اعتصاب زدند. در روز ملاقات خانواده‌های زندانیان، که نگران حال عزیزان دربند خود بودند، با برخورد تند و خشن پاسداران مواجه می‌گردند. این برخورد به درگیری سختی بین دوطرف می‌انجامد که با تیراندازی از جانب پاسداران دو نفر از افراد خانواده‌ها کشته و چند نفر هم مجروح می‌شوند.

- در اوایل خردادماه سال جاری، در زندان چوبیندر قزوین زندانیان سیاسی در اعتراض به شرایط دهشتناک حاکم بر زندان دست به اعتصاب ملاقات زدند. در عین حال زندانیان خواستهای برحق خود را به مقامات زندان اطلاع دادند. با این وجود، خالقی، رئیس زندان به خانواده‌های زندانیان سیاسی با بیشرمی تمام گفت: "من اطلاع ندارم که چرا اینها اعتصاب ملاقات کرده‌اند".

- مقامات زندان زنجان، امریه‌ای صادر کردند که بر مبنای آن زندانیان "حق" ندارند هنگام ملاقات لباس شخصی به تن داشته باشند، بلکه حتماً باید با لباس زندان، در اتاق ملاقات و در برابر خانواده‌ها ظاهر شوند. زندانیان نیز در اعتراض به این "امریه" از رفتن به محل ملاقات خودداری کرده‌اند.

انقلاب کبیر سوسیالیستی...

همه تاریخ قرن بیستم این حکم مارکسیسم - لنینیسم را که دوران کنونی دوران گذار انقلابی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم در مقیاس جهانی است، ثابت می‌کند. در حالی که در سالهای مبارزه برای استقلال سیاسی، روش منفی نسبت به امپریالیسم معیاری برای مترقی بودن بشمار می‌رفت، امروز این حد کافی نیست. اینک عامل تعیین کننده، انتخاب اصولی بین سرمایه‌داری و سوسیالیسم است. پدیده نوین در ایدئولوژی و سیاست کشورهای رشدیابنده پیدایش و رشد احزاب پیشاهنگ طبقه کارگر و همه زحمتکشان است که فعالیت آنها بر پایه سوسیالیسم علمی استوار می‌گردد. این احزاب در دهه‌های آینده مبارزه‌ای دشوار را با ارتجاع داخلی و خارجی و برای تحکیم وحدت و سازماندهی همه نیروهای دمکراتیک، تجربه خواهند کرد.

در چند دهه آینده ما شاهد تحکیم بازم بیشتر همکاریهای سیاسی، اقتصادی، علمی و فنی، فرهنگی و سایر اشکال همکاری بین کشورهای تازه از بند رسته و جامعه سوسیالیسم جهانی خواهیم بود. برای دستیابی به این هدف، باید دگرگونیهای کیفی بزرگی در این همکاریها ایجاد کرد و ما با مسائلی چون تخصصی شدن هرچه بیشتر در همکاریها، تشریح برنامه‌های همه جانبه برای استفاده از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست و دستیابی به طرحهای مطلوب تقسیم کار اجتماعی روبرو خواهیم بود.

در ویرایش جدید برنامه حزب کمونیست اتحاد شوروی آمده است: "حزب پیگیرانه سیاست گسترش تماسهای اتحاد شوروی را با کشورهای تازه از بند رسته، دنبال می‌کند و با همدردی عمیق آرزوهای خلق‌هایی را که یوغ سنگین و تحقیر کننده بردگی استعماری را بدوش کشیده‌اند، در نظر می‌گیرد. اتحاد شوروی روابط خود را با این کشورها بر پایه احترام اکید به استقلال آنها و برابری و پشتیبانی از مبارزه این کشورها با سیاست نواستعماری امپریالیسم و مبارزه آنها با بقایای استعمار و بخاطر صلح و امنیت جهان، تنظیم میکند." توضیح: این مقاله و دو شماره پیشین آن بر اساس کتاب انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر و سرنوشت خلقهای آسیا، آفریقا و امریکای لاتین نوشته کتورگی کیم، ۱۹۸۷، تنظیم شده است.

کمک‌های مالی رسیده:

سام از کالیفرنیا ۱۰ دلار
کمک به خانواده زندانیان سیاسی
از ایتالیا ۵۰۰ لیر

NAMEH
MARDOM
NO: 178

آدرس پستی:
P.B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

27.10.1987

جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است